

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال شانزدهم، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۸۵

داعیان حکومت گر صلیحی در یمن

دکتر فاطمه جان احمدی^۱

چکیده

دعوت اسماعیلیه در نیمه دوم قرن سوم هجری در یمن آغاز شد. پس از گذشت دو قرن امیر داعیان صلیحی (۴۳۹-۵۳۲ق) توفیق تشکیل حکومتی اسماعیلی مذهب را در یمن یافتند. در تراسر دوره حکمرانی ایشان روابطی بسیار دوستانه و مستحکم میان دو کانون یمن و مصر حکم فرما بود. سلاطین صلیحی به عنوان داعیان برجسته فاطمی نقش مهمی در گسترش کیش اسماعیلیه در جنوب شبه جزیره عربستان و هند برعهده داشتند. مهمترین وظیفه امیر داعیان صلیحی ضمن دعوت به امام فاطمی، حفظ پایگاه های سیاسی فاطمیان در یمن، مکه و مدینه بود. داعیان صلیحی به عنوان حجت جزیره یمن کار دعوت هند را نیز برعهده داشتند و بعدها همین ارتباط سیاسی مذهبی موجب شد تا داعیان هند بسیاری از میراث مکتوب فاطمیان و به تبع آنها صلیحیون را حفظ کنند. بنابراین بررسی ابعاد مختلف چگونگی شکل گیری این حکومت که نخستین حکومت اسماعیلی مذهب در یمن بشمار می آید، بسیار حائز اهمیت است. مقاله حاضر می گوشتد ضمن بررسی چگونگی نشر کیش اسماعیلیه در یمن و جنوب شبه جزیره عربستان به سیر تکوین سلسله صلیحی و

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)

ظهور و افول آن بپردازد و مظاهر ارتباط خلفای فاطمی و داعیان صلیحی را

بررسی کند.

واژه های کلیدی: صلیحیون، فاطمیان، یمن، صنعاء، هند، دعوت اسماعیلیه

مقدمه

از اواخر قرن سوم هجری داعیان فاطمی به منظور نشر دعوت اسماعیلی به یمن اعزام شدند. ویژگی های خوب یمن چون شرایط جغرافیایی مناسب، موقعیت ممتاز سیاسی و دوری از مرکزیت خلافت عباسی و نزدیکی به دربار خلافت فاطمی موجب شد تا دعوتگران اسماعیلی به راحتی بدر دعوت را در یمن کاشته، با تشکیل حکومت اسماعیلی محصول تلاش خود را برداشت نمایند.

زمانی تلاش این داعیان به ثمر رسید که امیران صلیحی به عنوان نمایندگان دعوت اسماعیلی ضمن خارج نمودن مدعیان و معارضان حکومت از عرصه رقابت سایه های اقتدار خود را بر همه شهرهای یمن گسترانیدند و توفیق تشکیل حکومتی اسماعیلی را یافتند. به ویژه در عصر علی بن محمد صلیحی داعی الدعاء یمن (۴۳۹-۴۷۳هـ) با انتخاب صنعاء به عنوان نخستین دارالعرز صلیحی نفوذ اقتدار مذهبی و سیاسی فاطمیان در یمن بیشتر شد.

به استناد منابع در سراسر این دوره طولانی روابط بسیار تنگاتنگی میان دربار خلافت فاطمی مصر با حکمرانان صلیحی پا برجا بود. و داعیان اسماعیلی در تقویت این روابط به شدت کوشیدند. این ارتباط در عهد پنجاه و سه ساله ملکه سیده حرّه از اعتبار و استحکام بیشتری برخوردار بود. او که بسانویی با نفوذ و مقتدر بود توانست به منصب داعی الدعائی و حجت جزیره یمن نائل آید. نامه ها و سجاتی که میان او و امام خلیفه فاطمی مستنصر بالله (۴۲۷-۴۸۷هـ) و بعدها مستعلی (۴۸۷-۴۹۵هـ) و آمر (۴۹۵-۵۲۴هـ) رد و بدل شد حکایت از جایگاه والا و موقعیت منحصر به فرد او دارد. زمانی در ک عملکرد و جایگاه مقتدرانه علی بن صلیحی و ملکه حرّه و دیگر امیر داعیان صلیحی آسان می شود که بتوان تصویری درست از چگونگی تکوین سلسله اسماعیلی صلیحی در یمن بدست داد. بنابراین، مقاله حاضر تلاش دارد ضمن بررسی چگونگی نشر دعوت اسماعیلی در یمن و تکوین سلسله صلیحی به این پرسش پاسخ دهد که آیا سلسله صلیحی نخستین حکومت اقماری اسماعیلی مذهب در جهان اسلام است؟ و یا اینکه تبعیت امیران صلیحی از امامان فاطمی

چه تأثیری به روی ساختار مذهبی سیاسی و فرهنگی یمن داشت و اینکه داعیان یمن چه تأثیری در نفوذ کیش اسماعیلیه در هند داشتند؟

دعوت اسماعیلیه در یمن

در فاصله سال های ۲۶۶-۲۷۷هـ (الانطاکی، ۱۹۹۰، ۵۹) با حضور دو داعی ممتاز فاطمی ابوالقاسم حسن بن فرج بن حوشب کوفی (م ۳۰۳هـ) (المقریزی، ۱۹۷۱، ۱/۵۱؛ القلقشندی، ۱۹۸۷، ۱۳/۲۳۳) و علی بن فضل (م ۳۰۲هـ) دعوت کیش اسماعیلیه در یمن آغاز شد. حضور این دو دعوت گر اسماعیلی زمینه تشکیل نخستین حکومت موقت اسماعیلی در یمن را قبل از توفیق تشکیل دولت رسمی فاطمیان در مغرب، ایجاد نمود (قاضی نعمان، ۱۹۹۶، ۱۶ و الذهبی، ۱۹۹۷، ۱۱/۵۷۴).^۱ ابن حوشب که از خانواده ای شیعی امامی محسوب می شد (قاضی نعمان، ۱۹۹۶، ۱۶ و القرشی، ۳۹۷)، به همراه ابن فضل که او نیز سابقه ای در تشیع داشت (قاضی نعمان، ۱۶) و به اشارت امام ستر فاطمی در سال ۲۶۸ هـ به یمن رسیدند و در سال ۲۷۱ هـ آشکارا به تبلیغ کیش اسماعیلیه مبادرت ورزیدند. (الیمانی، ۱۹۸۸، ۵۰) و این در حالی است که هنوز امام فاطمی توفیق تشکیل حکومت اسماعیلی در مغرب را نیافته بود و دعوتگران مغرب از یمن به آن سرزمین اعزام می شدند. (قاضی نعمان، ۱۶؛ المراکشی، ۱۹۹۸، ۱۲۴-۱۲۵/۱)

پس از گذشت زمانی نه چندان طولانی این دو داعی کوشا موفق شدند تا به شیوه اسماعیلیان پایگاه دعوت خود را در مناطق کوهستانی اطراف صنعاء مستقر کنند. این اقدام که در پی فرمان امام فاطمی به ابن حوشب مبنی بر این که: «قصد عدن کن با علی بن فضل تا در آنجا دولت ما بر تو ظاهر شود و در آنجاست امراء ما و شیعیان ما» (خراسانی فدائی، ۱۳۷۳، ۵۱) موجب شد تا ابن حوشب که اکنون به لقب منصور الیمن نائل آمده بود (قاضی نعمان، ۱۶) در عدن لایحه نزدیک جبل مسور^۲ (حموی، ۱۹۸۸، ۱۲۹/۵) و ابن فضل در جند^۳ (حموی، ۱۶۹-۲/۱۷۰) دارالهیجره ای برای

۱. قاضی نعمان مثاله اندیشمند فاطمی کتاب افتتاح الدعوة خود را با این عنوان آغاز می کند "ذکر ابتداء الدعوة باليمن والقائم بها... که مؤید آغاز دعوت کلی فاطمیان از یمن است. و مؤلف سیر النبلاء نیز ظهور دعوت اسماعیلی در یمن را به سال ۲۷۰ می داند.

۲. قلعه ای از توابع صنعاء.

۳. سه بخش مهم دوره اسلامی در یمن چند صنعاء و حضر موت بوده است.

خود بنیان نهند. بدین سان توانستند بیشتر قبائل یمنی همدانی و حمیری را به دعوت خویش فراخوانند و اکثر آنها را منقاد خود نمایند. این دو با استقرار کامل بر منطقه یمن و زفع مشکلات داخلی و تقویت بنیاد دعوت اسماعیلی در صدد اعزام مبلغان و دعوت‌نگران فاطمی به نواحی بحرین، یمامه، سند، هند و مصر (المقریزی، ۵۱ / ج ۱؛ ادریسی، بی تا، ۷ / ۴۰۱؛ المکی، ۱۹۹۸: ۳ / ۵۴۲) بویژه مغرب، برآمدند. (الذهبی، ۱۱ / ۵۷۵)

در سال ۲۹۳ هـ صنعا به تصرف ابن فضل در آمد و همین نفوذ مقتدرانه حکومتگران زیدی که در شمال یمن سکنی داشتند را وادار به عکس‌العملی جدی نمود. در پی فشار ائمه زیدی بخش‌هایی از یمن و حتی صنعا از زیر سلطه اسماعیلیان خارج شد.

در سیال ۲۹۹ هـ بار دیگر ابن فضل صنعا را به زیر چمبره خویش کشاند (الصنعانی، ۱۹۸۱، ۳۱۰) و در همین دوره است که به دلیل کسب اقتدار مذهبی و سیاسی بیعت خویش را از امام فاطمی عبیدالله مهدی گسست (الصنعانی، ۱۴۸) و ادعای نبوت نمود^۱ و فرمان داد تا موزنین "اشهدا ان علی بن فضل رسول الله" را از مناره مساجد صنعا سر دهند. (الیمانی، ۵۵-۵۴) همو تلاش کرد تا رهیان دیرینه خویش ابن حوشب را وادار به همکاری نماید، اما ابن حوشب نه تنها دعوت وی را اجابت نکرد، بلکه وفادارانه تا پایان عمر در ملازمت امام فاطمی باقی ماند.

ابن فضل در سال ۳۰۲ هـ وفات یافت. رهبر سلسله محلی یعقربن ابی اسعد بن ابی یعقربن (ابراهیم بن محمد) (الدیب، ۱۵۷) به عنوان نایب ابن فضل و امام جماعت (الرازی، ۳۱۰)

۱. شاعر وقت در این مورد چنین سرود:

خذی الدف یا هذو و اضربی و غنی هزاریک ثم أطرب
تولی نبی بنی هاشم و هذا نبی بنی یعرب
لکل نبی مضمی شرعہ و هدی شریعہ هذا النبی

یعنی:

دف را بگیر و بنواز و چون عندلیب بخوان و سپس شاد باش
که این پیامبری است از بنی هاشم و این پیامبری است از بنی یعرب
برای همه پیامبران گذشته شریعتی است و این شریعت این پیامبر است.

این شعر بسیار مطول را عبداللہای الیمانی آورده است. ببینید: الیمانی: بهجة الزمن فی تاریخ الیمن، ص ۵۵.

صنعاً سر برداشت و علیه پسر و جانشین ابن فضل شورش نمود و در مدت دو سال اقامتگاه پیشین ابن فضل مُذیخَره را تصرف کرد و با قتل بسیاری از اسماعیلیان به جنبش ابن فضل پایان داد.

یکسال بعد از مرگ ابن فضل، ابن حوشب در ۳۰۳هـ درگذشت و با مرگ او نهضت اسماعیلیه در یمن با وقفه ای طولانی مواجه شد. هر چند کماکان دعوت اسماعیلیه به صورت سری و آرام در میان قبائل یعنی بویژه بنوهمدان جاری بود. تلاش مخفیانه داعیان اسماعیلی در فاصله مرگ ابن حوشب و روی کار آمدن علی بن محمد صلیحی مدت یک قرن بطول انجامید و حکومت‌های محلی چون آل زیاد (۲۰۴-۴۱۲هـ) در زَید. آل یَعْفَر (۲۴۷-۳۸۷هـ) در صنعا و آل نجاح (۴۱۲-۵۵۴هـ) در جَنَد و امامان زیدی در صعده حضور داشتند.

یکی از مهمترین شواهدی که می توان در تأیید تلاش دعوتگران اسماعیلی در این عصر بدان استناد جست، اخذ بیعت از حکمران یمنی عبدالله بن قحطان (م ۳۸۷هـ) آخرین امیر یعفری و ساقط کردن نام خلیفه عباسی از خطبه و خواندن نام امام خلیفه فاطمی عزیز بالله (۳۶۵-۳۸۷هـ) بر منبر زید و صنعا است. (الیمانی، ۵۹)

یکی از داعیان برجسته اسماعیلی به نام سلیمان بن عبدالله زواحی که فردی دانشمند و صاحب نفوذ بود در ناحیه کوهستانی حراز کار دعوت اسماعیلی را برعهده داشت. (المقریزی، ۲/۲۲۲) دوره طولانی دعوت او معاصر با سه خلیفه فاطمی مصر الحاکم بامرالله (۳۸۶-۴۱۱هـ)، الظاهر (۴۱۱-۴۲۷هـ) و ابتدای خلافت المستنصر بالله (۴۲۷-۴۸۷هـ) بود. (الدیب، ۱۵۶)

داعی سلیمان به رسم دعوتگران اسماعیلی اندکی پیش از مرگ، علی بن محمد صلیحی پسر قاضی سنی مذهب حراز (ابن خلکان، بی تا، ۳/۴۱۱) از رؤسای محلی با نفوذ قبیله بنوهمدان بود را به شاگردی پذیرفت (الدیب، ۱۷۳) و آرام آرام همه رموز دعوت را به او آموخت و علی را به عنوان جانشین، معاون و دستیار خود برگزید. بدین سان علی بن محمد صلیحی با دقایق کیش اسماعیلیه آشنا شد. (الیمانی، ۱۳۹۹، ۸۴)

سفرهای متعدد او به مدت پانزده سال به عنوان راهنمای حجاج (الیمانی، ۱۹۸۸، ۷۵) در مسیر مکه او را فردی کارآزموده نمود. وی با رها با قاهره مرکز دعوت اسماعیلیه ارتباط برقرار نمود و سرانجام در سال ۴۳۹هـ (الیمانی، ۸۸-۹۷؛ بوسورث، ۱۳۷۱، ۱۲۲) در مسار ناحیه

کوهستانی حراز سر به شورش برداشت و قلاع و استحکامات خوبی را در آنجا فراهم نمود.
(المقریزی، ۱۸۷ و ۲۲۲؛ فدائی خراسانی، ۸۱؛ ابن خلکان، ۳/۴۱۲)

سلاطین صلیحی و تشکیل حکومت اسماعیلی

علی بن محمد صلیحی پس از استقرار در مسار از امام خلیفه فاطمی اجازه دعوت گرفت (ابن خلدون، ۱۹۹۲، ۴/۲۶۷؛ ابن خلکان، ۳/۴۱۲). سپس به جلب قبائل معترض و در عین حال قدرتمند بنو همدان و حمیری پرداخت و به تسخیر سرزمین های اطراف قلمرو تحت نفوذ خود مبادرت ورزید. این اقدامات نخستین گام های علی بن محمد صلیحی در تأسیس سلسله ای اسماعیلی مذهب بود. حکمرانان صلیحی که حکومتشان مدت یک قرن بطول انجامید، به عنوان حامیان امام خلیفه فاطمی بر یمن حکمرانند و از این پس در یمن و مناطق تحت نفوذ خطبه به نام امام خلیفه فاطمی مصر خوانده شد. (ابن تغری بردی، ۱۹۹۲، ۵/۵۹؛ ابن کثیر، ۱۹۹۸، ۸/۲۵۳)

فتوحات علی بن محمد در زبید (حموی، ۱۹۸۸، ۳) در سال ۴۵۲ هـ و کشته شدن حکمران نجاحی آن با توفیق فراوان همراه بود. او پس از این موفقیت به سمت صعده محل استقرار امامان زیدی حرکت کرد و در سال ۴۵۴ هـ عدن لایحه پایگاه پیشین اسماعیلیه را به تصرف درآورد و بنو معن را خراجگزار خود نمود. سرانجام در سال ۴۵۵ هـ همه یمن به زیر سلطه علی صلیحی در آمد. (ابن جوزی، ۱۴۱۵، ۱۵/۳۵۰) وی در تمام طول این دوره تماس های مکرر خود را با امام فاطمی حفظ نمود. نامه ها و مجموعه سجلاتی که از این دوره بر جای مانده مؤید این مدعاست. او همچون دیگر داعیان اسماعیلی مشتاق دیدار امام خلیفه فاطمی بود، اما مشکلات دعوت و مصائب ملک داری این امر را محقق نمی کرد تا این که وی در پی تحقق این آرزو و البته اخذ رهنمودهای امام فاطمی قاضی القضاة توانمند یمن لمک بن مالک حمادی را به قاهره گسیل داشت تا زمینه های دیدار امام و فرمانروای اسماعیلی یمن را فراهم آورد.

لمک به قاهره شتافت و مدت پنج سال در مرکز خلافت فاطمیان ماند و پس از انتظاری طولانی به دیدار امام فاطمی نائل آمد. در طی این مدت لمک در دارالحکمه قاهره به سر می برد و با داعی الدعاء اسماعیلی المؤید فی الدین شیرازی (م ۴۷۰ هـ) هم صحبت بود. این اقامت و مصاحبت فرصتی بود تا قاضی لمک همه رموز و دقائق کیش اسماعیلیه را از داعی الدعاء برجسته فاطمی

یاموزد و مجالس الحکمه قاهره را تجربه نماید. قاضی لمک با کوله باری از دانش اسماعیلیه به یمن بازگشت و به عنوان قفیهی مبرز ریاست سازمان دعوت آن سرزمین را برعهده گیرد. از این پس ارتباط دربار صلیحی با دربار خلافت فاطمی مستحکمتر شد. حضور فعال داعیان صلیحی در جنوب عربستان و سیطره تبلیغاتی بر مکه و مدینه موجب شد (ابن خلدون، ۱۹۹۲، ۴/۲۵۶) تا به نوشته ابن میسر بعد از گذشت پنج سال مجدداً بر منابر مکه و مدینه به نام المستنصر بالله خلیفه فاطمی خطبه خوانده شود. (ابن میسر، ۱۹۱۹، ۲۴) علی بن محمد صلیحی در ۴۷۳ هـ در حالی که پسرش مکرم احمد را جانشین خود در صنعا قرار داد، عازم سفر حج شد، اما در میانه راه سعید الاحول (الیمنی، ۱۳۹۹، ۱۰۵، الدیع، ۱۹۸۸، ۱۸۲؛ المقریزی، ۲۵/۳) به انتقام قتل پدرش نجاج (ابن کثیر، ۱۹۹۸، ۸/۲۵۳) به او حمله برد و علی و همه خانواده اش را از دم تیغ گذراند. (الیمنی، ۱۰۵؛ المقریزی، ۲۲/۲۵)

جانشین علی، فرزندش ابوالحسن احمد بن علی معروف به المکرم (م ۴۷۷ هـ) بود. وی در نخستین اقدام حکومتی در نامه ای مفصل ابراز خاکساری، ارادت و تبعیت خود را به دربار خلافت فاطمیان اعلام نمود. (السنجالات المستنصریه، ۱۹۵۴، سجل ش ۶۱) امام خلیفه فاطمی نیز در پاسخ حکومت و دعوت او را به رسمیت شناخت و او را در خطابی "عبد المستنصر ابوالحسن علی بن ملک" نامید. (السنجالات المستنصریه، سجل ش ۱۴) او نیز چون پدر مرکز حکومت را در صنعا دارالغز الأولى قرار داد و اقدام به ضرب سکه ملکی منسوب به دینار یمنی کرد. (الیمنی، ۱۰۵) اما به دلیل آشفتگی های سیاسی، اجتماعی و به تبع آن اقتصادی این شهر (الیمنی، ۱۱۳) ناگزیر گردید مرکزیت حکومت را به ذی جبله، شهری کوهستانی با استحکامات نظامی منتقل نماید (الیمنی، ۱۱۴؛ الیمانی، ۱۹۸۸، ۷۹) و آنجا را دارالغز الثانیه بنامد. (الیمانی، ۷۹؛ الدیع، ۱۸۷) هرچند در این ملاحظه هرگز نسبت به موضوع اهمیت اقتصادی آن بی توجه نبود.

۱. ابن تفری بردی، سال کشته شدن او را ۴۴۶ هجری ذکر کرده است. ببینید: النجوم الزاهره، ج ۵، ص ۱۱۱ و مقریزی در اتعاظ الحنفاء، ج ۳، ص ۲۵، سال وفات او را به غلط سال ۴۹۳ هجری ذکر کرده است، هرچند همو در مجلد دوم اتعاظ واقعه مرگ علی بن صلیحی را در سال ۴۷۳ ثبت نموده است. و احتمالاً این اشتباه ناشی از بی دقتی مقریزی در ثبت حوادث یمن بوده است. همان. ج ۲، ذیل حوادث ۴۷۳. تاریخ دقیق وفات علی را عماره یمنی دقیق تر از دیگران ذکر کرده است ص ۱۰۴ و نیز ببینید: ابن خلکان، ج ۳، ص ۴۱۳ و سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۶۱۶.

در سراسر دوره حکمرانی ملک مکرم دولت اسماعیلیه در یمن مقتدرانه حکمفرما بود و دعوت اسماعیلیه در خارج از یمن در سرزمین های عمان، احساء، بحرین، هند و سند تحت نفوذ معنوی دولت صلیحی انجام می شد. (السجلات المستنصریه، سجل ش ۶۳، ۵۴، ۴۱) سلطان صلیحی نیز با گزارش های مسرت بخش از وضعیت یمن و سرزمین های تحت نفوذ موجبات خشنودی امام فاطمی را فراهم می آورد.

اواخر حکمرانی مکرم با قدرت گیری امیران قاسمی زیدی همراه بود. در همین دوره است که قدرت واقعی امیر صلیحی به همسرش سیده حره دختر احمد صلیحی منتقل شد. (الیمنی، ۱۱۳ و المقریزی، ۲/۲۲۲) او که در تاریخ ضلیحیون به نام هایب چون الملكة الصلیحیه، الملكة أروی، الملكة المکرم مشهور است بانویی مقتدر، بسیار با نفوذ و با درایت بود (الدیع، ۱۸۷) تا جایی که برخی محققان او را "بلیس صغری" (همدانی، ۱۹۵۵، ۱۴۳) و یا "ام الدعاه الیمن" (ابن ظافر، ۱۹۷۲، ۷۲) نام نهاده اند.

اقدامات سیاسی و دخالت های اجرایی ملکه حره از زمان همسرش الملك المکرم آغاز شده بود. (الیمنی، ۷۹) یکی از اولین اقدامات او در حیات امیر صلیحی صدور فرمانی مبنی بر قتل سعید الاحوال قاتل علی بن محمد مؤسس سلسله صلیحی بود. (الیمنی، ۷۷) که مورد تأیید امام فاطمی قرار گرفت. (السجلات المستنصریه، سجل، ش ۲۵)

او فرمان داد تا پس از دستگیری سرش را مقابل دارالحکومه بیاویزند. (الدیع، ۱۸۷) این تمرین ملکداری کماکان در تمامی دوره حکمرانی سلطان احمد بن علی ادامه داشت تا اینکه امیر صلیحی در سال ۴۷۷هـ در گذشت و ملکه حره بر همه امور اجرایی دولت صلیحی مسلط شد. توانایی و قدرت تدبیر او موجب شد تا امام خلیفه فاطمی المستنصر بالله نیز که با جدیت کار دعوت اسماعیلیه در یمن را پی می گرفت در اقدامی کم نظیر با ارسال نامه ای رسمی امر دعوت و داعی الدعائی را به بانو حره بپردازد (السجلات المستنصریه، سجل ش ۳۷). افزون بر این با اعطای القابی درخور توجه چون الملكة، ذخیره الدین و عمدة للمؤمنین، کهف المستنصرین و ولیة امیر المؤمنین و کافله اولیاء المیامین (السجلات المستنصریه، سجل ش ۳۵) ضمن دادن لقب حجت جزیره یمن که مقامی بالاتر از داعی بود، وظیفه خطیر نشر دعوت اسماعیلیه و هدایت داعیان

فاطمی هند، عمان و بحرین را نیز به او تفویض نماید. (القرشی، بی تا، ۷/۱۲۳) این اقدام مهم علاوه بر تقویت جایگاه ملکه حره موجبات تداوم بیش از پیش حکومت صلیحیون را فراهم آورد.

در همین فاصله سیأ بن احمد یکی از یاران وفادار ملک مکرّم و از عاملان با نفوذ صلیحی به خواستگاری ملکه آمد، اما وی نپذیرفت. پس سیأ بین احمد با سپاهی آراسته به سوی ذی چله دارالعزّ البّانیّه حمله برد (ایمانی، ۸۰) و پس از فشار نظامی که بر ملکه وارد آورد، (ابن خلدون، ۴/۲۵۷) ملکه ناگزیر شد تا در نمایشی نمادین مذهبی و سیاسی ازدواج خود را مشروط به اذن و امر امام خلیفه فاطمی مصر بدانند. (الیمنی، ۱۲۲؛ الدبیع، ۱۹۱؛ ابن ظافر، ۷۲)

از این رو. نامه ای با دو پیک به سوی المستنصر بالله هشتمین خلیفه فاطمی ارسال کرد (ایمانی، ص ۸۰) و او نیز در پاسخ امر به ازدواج آن دو نمود و فرستاده خلیفه فاطمی با هدایایی نفیس و مکتوبی مشحون از القاب پرمعنا و زیبا (الیمنی، ۱۲۳) برای عروس و داماد به مرکز حکومت صلیحیان وارد شد (الدبیع، ۱۹۱) و همین بر موقعیت بیش از پیش ملکه افزود.

به دنبال نا آرامی های صنعاء ملکه حره اداره آنجا را به قاضی عمران بن فضل سپهسالار صلیحی و اسعد بن شهاب عموی ملک مکرّم سپرد تا به اتفاق همه امور آن را اداره کنند، اما از آنجا که دو امیر در یک سرزمین ننگنند، میان این دو نیز رقابت و نزاع در گرفت و امارتشان ساقط شد. ملکه هر دو را معزول نمود. همین موضوع بر مشکلات پیشین صنعاء افزود و موجبات افزایش تحریکات استقلال طلبانه خاندان های با نفوذی چون همدانی در یمن را فراهم آورد و بالاخره در سال ۴۹۲ هـ صنعاء از دولت صلیحی جدا شد و به زیر چمبره قدرت سلطان جاتم بن الغشیم المغلسی الهمدانی قرار گرفت. (الدبیع، ۲۰۳-۲۰۴) مرگ زود هنگام ملک سیأ بن احمد (۴۹۲ هـ) نیز بر مشکلات ملکه حره دامن زد و ملکه برای بازگرداندن آرامش به صنعاء مفضل بن ابوالبرکات عامل قدرتمند صلیحی تعکّر را برای دفاع از یمن فراخواند. اما عمر این سردار آنقدر کفاف نداد تا توفیقات موقت خویش را تثبیت نماید و به دیار باقی شتافت. (الیمنی، ۱۲۶) در این شرایط ملکه حره چاره ای نیافت مگر استمداد از امام خلیفه فاطمی مصر الامر با حکام الله تا او برای حل مشکلات داخلی یمن چاره ای بیابد.

خلیفه فاطمی نیز در پی این درخواست، مستشاری قدرتمند به نام امیر علی بن نجیب الدوله را در سال ۵۱۳ هـ به یمن گسیل داشت. (ایمانی، ۸۰-۸۱؛ الدبیع، ص ۹۶). ورود ابن نجیب به یمن به

عنوان سپهسالار صلیحی با موفقیت همراه بود. در پی حضور فعال او بار دیگر آرامش بر مناطق تحت نفوذ ملکه صلیحی سایه افکند. اما چندی نگذشت که میان ابن نجیب الدوله و ملکه صلیحی اختلافات شدیدی بروز نمود. برخی از منابع منشأ این اختلافات را ناشی از شقاق دعوت مستعلوی و نزاری دانسته اند. زیرا ابن نجیب الدوله از دعوت نزاری حمایت کرد (الیمانی، ۸۱) و به ضرب سکه به نام نزار مبادرت ورزید (ابن میسر، ۶۹)^۱ و این در حالی بود که ملکه حره از طرفداران المستعلی بود. (الدیع، ۱۹۷؛ الیمانی، ۸۱)

به سبب بالا گرفتن همین اختلاف (۵۱۷-۵۱۹ هـ) ابن نجیب الدوله به قاهره فراخوانده شد. (ابن میسر ۱۶۹) اما در میانه راه به هر دلیل نامعلوم از کشتی به دریا افتاد (الیمانی، ۸۱) و هرگز به قاهره نرسید. بدین ترتیب ملکه حره یکی دیگر از افراد عالی رتبه خاندان صلیحی را به جای ابن نجیب گمارد.

در فاصله سالهای ۵۲۰ تا ۵۲۶ هـ بار دیگر دربار خلافت فاطمی مصر بر سر موضوع جانشینی دچار تشتت شد. دامنه این بحران به مناطق تحت نفوذ از جمله یمن و به تبع آن هند تسری یافت. پس از قتل الامز (۵۲۴ هـ) و اعلام خلافت و جانشینی حافظ سازمان بزرگ دعوت فاطمی دینار بحران جدی انکسار شد. چنانکه گروهی از مستعلویان شام، مصر بر دعوت حافظی باقی ماندند و نص او را پذیرفتند و عده ای دیگر بر دعاوی طیب فرزند خردسال الامر اقرار نموده او را به عنوان امام پذیرفتند. با شقاق دو جریان حافظی و طیبی پیروان یمنی اسماعیلیان نیز به دو دسته تقسیم شدند و ملکه صلیحی که به روایت منابع پیشتر نامه ای از الامر با حکام الله امام خلیفه فاطمی مبنی بر تولد ابوالقاسم طیب در ربیع الثانی ۵۲۴ هـ دریافت کرده بود (الیمانی، ۱۹۳)، وفادارانه به امامت طیب باقی ماند و در هدایت و تسری دعوت طیبی در یمن و هند کوشید. اما جریان دوم حکمرانان زریعی عدن و همدانی های صنعاء بودند که با حمایت از عبدالمجید حافظ او را امام فاطمی محقق دانسته با اطلاق نام داعی بر خود دعوت جدید حافظی یمن را رهبری کردند. همین شقاق و افتراق خود موجی از اضطراب و نگرانی را به دربار حکومت صلیحیون تسری داد.

ملکه صلیحی با اعلام استقلال شاخه طیبی و حمایت از امامت ستر او در تقویت دعوت طیبی افزود و مستقلاً دعوت طیبی را راهبری می کرد. وی در اقدامی نمادین مجموعه جواهرات مشهور

۱. ابن میسر این اقدام را سال ۵۱۳ هـ ثبت نموده است. ببینید: اخبار مصر، ص ۶۹.

خود را طی وصیت نامه ای مطول به امام طیب فاطمی مصر تقدیم نمود: (القرشی، ۷/۸۲) تا بدین وسیله نهایت ابراز ارادت و تبعیت دربار صلیحی به امام نوزسیده فاطمی را اعلام دارد.

ملکه حره پس از پنجاه و سه سال حکومت پر توفیق در سن ۸۸ سالگی در سال ۵۳۲ هـ در ذی جمله دیده از جهان فرو بست و در کنار مسجد جامع از بناهای منسوب به خودش دفن شد. با مرگ او ستاره اقبال صلیحیون زو به افول نهاد. هر چند حکومت کوتاه مدت عبدالله صلیحی و بعد از او همسرش اسماء نتوانست انحطاط این حکومت را به تأخیر اندازد و تنها در برخی از قلاع و مناطق یمن اعقاب صلیحی تا سال ۵۶۰ هـ باقی ماندند. (ابن خلدون، ۴/۲۶)

اضمحلال حکومت صلیحیون هرگز به منزله اتمام دعوت اسماعیلیه در یمن نبود، بلکه دعوت طیبی پس از مرگ ملکه ضمن جدا شدن از خاندان صلیحی با قوت کماکان توسط داعی ذویب بن موسی زریعی (م ۵۴۶ هـ) (برهانپوری، ۱۹۹۹، ۶۹-۷۴)^۱ و ابراهیم بن حسین حامدی (م ۵۵۷ هـ) (برهانپوری، ۷۴-۷۵)^۲ و پسرش حاتم داعی مطلق طیبی (م ۵۹۶ هـ) (برهانپوری، ۸۲-۷۵) و علی بن حاتم (م ۶۰۵ هـ) (برهانپوری، ۸۲-۸۳)^۳ ادامه یافت و تا قرن یازدهم هجری داعیان اسماعیلی دارای اقتدار مذهبی و گاه سیاسی در یمن و هند بودند. (عارف تامر، ۱۹۹۱، ۷۰-۷۲/۴)

روابط صلیحیون و امامان فاطمی

در سراسر قرون سوم تا ششم هجری دعوت اسماعیلی یمن پیوند نزدیک خود را با دربار خلافت فاطمی حفظ نمود. استقرار امیر داعیان صلیحی نیز در تحکیم این پیوند بسیار مؤثر بود. زیرا صلیحیون یمن از یکسو به عنوان داعیان اسماعیلی و نایبان بلافصل امامان فاطمی (ابن الطویر، ۱۹۹۲، ۱۱۰) و از سوی دیگر به عنوان سلاطین محلی یمن تمامی مساعی مجدانه خویش را در جهت تقویت این پیوند به کار می گرفتند.

۱. او منصوب ملکه حره و صاحب حکم از جانب الامر امام فاطمی مصر بود. از او دو کتاب رساله النفس و رساله

معرفة الموجودات برجای مانده است برآی اطلاع بیشتر ببینید: (برهانپوری، ۱۹۹۹، ۶۹-۷۴)

۲. کتابهای کنز الولد و الابتداء و الانتهاء و کتاب تسع و تسعون رساله فی الحقائق منسوب به اوست. همان منبع؛

صص ۷۴-۷۵.

۳. دو کتاب روضه الحکمة الصافیة و بستان العلوم الشافیة از اوست. همان، صص ۸۲-۸۳.

این سلاطین دعوتگر همواره به دنبال یافتن راه حل و طریقی کپارآمد بودند تا به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم نظر مستجیان یعنی را به اصل محوری کیش اسماعیلیه یعنی امام فاطمی معطوف دارند. در این طریق پیوسته در کسوت داعی الدعاه یا حجت نقش آفرینی می کردند تا بتوانند به همه اهداف عالی نهضت اسماعیلیه در یمن جامه عمل پوشند. اوج روابط میان دو دربار صلیحی و فاطمی در عصر ملکه حره است. می توان این ارتباط را در دو مرحله متفاوت یکی عصر همسرش ملک مکرم و دیگری در عصر حکمرانی خودش پی گیری نمود. در مرحله نخست تنها یک نامه موجود است که در آن به مناسبت تولد طفل ملکه، امام فاطمی القابی پر معنا به طفل و مادرش بخشیده است. اما در مرحله دوم این ارتباط سیاسی و مذهبی بسیار وسیع و مستحکم است. تا جایی که گاه ملکه به مادر المستنصر بالله نیز نامه نوشته و مراتب اطاعت و ارادت خود را در آن اعلام کرده است. (السجلات المستنصریة، سجل ش ۵۱)

از لابلای اسناد موجود اسماعیلی می توان ارتباط خلفای فاطمی و امیرداعیان صلیحی را در بخش های ذیل دسته بندی نمود:

نخست اینکه داعیان صلیحی وظیفه داشتند تا ضمن دعوت انفرادی به تشکیل هسته های متمرکز داعیان مبادرت نمایند و به تبیین نحوه ارتباط مستجیان - نوکیشان با نایبان بلافصل امام فاطمی و شناسایی فرد مستجیان و شرکت دادن آنان در مجالس دعوت و ایجاد و تقویت کانونهای مقاومت در سراسر مناطق تحت نفوذ حجت یمن پردازند.

دوم این که داعیان صلیحی یمن مأموریت داشتند تا علاوه بر نشر کیش اسماعیلیه و دعوت به امام فاطمی، به تضعیف پایگاه خلافت عباسیان بغداد به عنوان رقیب مهم خلفای فاطمی در همه مناطق تحت نفوذ صلیحیون چون مکه و مدینه، عمان و بحرین و هند پردازند و اقدام به برزانداختن نام خلیفه عباسی از خطبه و در مقابل خواندن خطبه به نام امام خلیفه فاطمی، مصر بر منابر مناطق تحت نفوذ (ابن تغری بردی، ۵۹/ ۵) و همچنین ضرب سکه به نام امام فاطمی نمایند.

در مقابل انجام این وظایف مهم که البته برای سلاطین صلیحی کمی بالاتر از حد وظیفه یک داعی الدعاه می نمود، خلفای فاطمی نیز ضمن تأیید حکومت ایشان به حمایت معنوی و اعطای مشروعیت مذهبی و سیاسی آنان مبادرت می کردند. شاید بتوان بیشتر مظاهر این نوع ارتباط را در منابع مکتوب تحت عناوین ذیل جستجو نمود:

۱. تبریک اعیاد، ۲. تبریک موالید، ۳. اعطای القاب، ۴. تسلیت گویی، ۵. ارسال هدایا به انضمام مکتوب شادباش

تبریک اعیاد: در مجموعه سجلات المستنصریه تعداد زیادی از نامه ها به تبریک و شادباش اعیاد اسلامی عید فطر و عید قربان و عید غدیر اختصاص دارد. (السجلات المستنصریه: شماره های ۱، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۳۰، ۳۱، ۶۴) در این نامه ها امام خلیفه فاطمی ضمن توصیف اعیاد مورد نظر و توصیه به انجام فرائض مربوطه از داعی الدعاه صلیحی می خواست تا ضمن اداء نماز عید را بجا آورد و پیام شادباش خلیفه را به مردم ابلاغ کند و بزرگی و عظمت امام خلیفه را متذکر شود.^۱

تبریک موالید: یکی دیگر از اسنادی که می توان نشانه تکریم و بزرگداشت طرفین را در آن جستجو نمود، پیام های مسرت بخش تولد فرزند است. در بسیاری از موارد به همراه ارسال پیام های شادباش مجموعه ای از القاب از سوی امام فاطمی به مولود صلیحی عطا می شد. برای نمونه هنگام تولد محمد چهارمین فرزند ملکه حره، خلیفه فاطمی المستنصر بالله ضمن ابراز خرسندی و مسرت از تولد این فرزند، لقب فاخر نجیب النجباء را بدو بخشید.

در برخی موارد نامه شاد باش از شخص خلیفه به منظور تولد فرزندش صادر می شد. (مجموعه الوثائق الفاطمیه، ۲۰۲، ۴۴ و ۴۹ و ۵۲ و ۵۶...) در این نامه ها امام خلیفه فاطمی علاوه بر تبریک و تهنیت تولد فرزند خود بشارت تصدی امر ولایت عهدی را ابلاغ می کرد. اغلب این نامه ها که گاه خطاب به داعیان صلیحی صادر می شد، حکایت از جایگاه والای داعیان در امر تبلیغ کیش اسماعیلیه داشت. چنانکه در سال ۴۶۷ هـ المستنصر بالله در نامه ای مسرت بخش تولد فرزندش مستعلی را به ملک مکرم و همسرش سیده حره بشارت داد و او را جانشین خود نامید. (السجلات المستنصریه، ۱۴۷) بعدها الامر با حکام الله مکتوب بشارت تولد طیب را نیز به یمن ارسال داشت.^۲

گفتنی است بعدها به وقت اختلافات ناشی از جانشینی در دربار مصر به استناد همین نامه ها ملکه صلیحی خط مشی مذهبی و موضع گیری سیاسی خود را تعیین کرد. یکبار با حمایت از

۱. نماز عید فطر سالهای ۴۴۵ و ۴۵۱ و ۴۷۴ هجری.

۲. ببینید رساله موسوم به هدایة الامریة فی ابطال الدعوة التزاریة تقدیم و تحقیق آصف بن علی فیضی.

مستعلی جریان نزاریه را پس زد و بار دیگر در ایام وفات الامر موضع طیبی را تصدیق کرد و جریان حافظی را تکذیب نمود.

اعطای القاب: یکی از مهمترین رسوم در الخلافه اسلامی بخشیدن لقب بود. خلفای فاطمیان نیز مطابق این رسم با اعطای لقب های پر معنا ضمن افزودن بر مکات و وجاهت مذهبی حکمرانان صلیحی، بخشی از مقام و منزلت خود را به آنان تفویض می کردند. در این فرایند هر دو بخش منتفع می شدند. از یکسو خلیفه می توانست وابستگی حکمرانان صلیحی را متذکر شود و ضمانت اجرایی آنان را در امر دعوت بالا ببرد و از دیگر سو امیر داعیان صلیحی می توانستند ارادت و وفاداری خود نسبت به امام فاطمی و دربار او را بیان نمایند. بنابراین، در حالی که در دربار عباسیان القاب خرید و فروش می شد، در دربار خلافت فاطمیان به مناسبت های مختلف القابی درخور اعتنا بدون پرداخت هدیه یا کمترین وجهی به وابستگان مذهبی، سیاسی، اداری و نظامی بخشیده می شد. در فهرست داعیانی که از امام فاطمی القاب مهم و معتبری را گرفته بودند سلاطین صلیحی در صدر قرار داشتند. القاب دینی و دنیوی بسیاری از جانب امام خلیفه فاطمی المستنصر بالله به امیر داعی بزرگ صلیحی علی بن محمد بخشیده شد. القابی چون :

السلطان الاجل، الملك الاوحد، امیر الامراء وعمدة الخلافة، تاج الدوله ذوالمجدین، سیف الامام، المظفر فی الدین، نظام المؤمنین و شرف المعالی و... (السجلات المستنصریه: سجل ش ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳).

در این فهرست برای نخستین بار به داعی الدعاء صلیحی با چنین موقعیت سیاسی لقب "السلطان الاجل" به عنوان بالاترین مقام دنیوی اعطا شد. همچنین القاب منتهی به الدوله که مختص صاحب منصبان و امیران عالی رتبه فاطمی بود بدو تعلق گرفت. در نامه ای دیگر همین خلیفه بعد از مرگ مؤسس سلسله صلیحی به مناسبت روی کار آمدن فرزندش احمد دومین امیر داعی صلیحی القاب مهمی به شرح ذیل به او اعطا نمود که هر یک به تهنیتی می توانست مشروعیت دینی و سیاسی او را به عنوان جانشین پدر تضمین نماید:

الملك الاجل، الاوحد، المنصور، العادل، المکرم، سیف الامام، عظیم العرب، عمدة الخلاف، شرف الامراء، عز الملك، منتخب الدوله و غرسها، ذوالسیفین، تاج الدوله، عماد الملیه و غیاث الامه،

امیر الامراء، سلطان امیر المؤمنین و عمید جیوشه، المظفر فی الدین، نظام المؤمنین، شرف الایمان، مؤید الاسلام ... (السجلات المستنصریة، شماره‌های ۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۶- و...) لازم به ذکر است بخشیدن این گونه القاب که شمول گرای دینی و دنیوی را به همراه داشت مختص ملوک صلیحی نبود، بلکه بزرگان و فرزندان آنان نیز از الطاف امیر فاطمی برخوردار می شدند و هریک به نوبه خود به یک یا چند لقب نائل می آمدند. چنانکه المستنصر فرزند بزرگ علی بن محمد صلیحی را به لقب ذوالمجدین نائل گردانید و القابی چون امیر المکرم و ذی السیفین را به فرزند اوسط و القابی چون امیرالموفق و ذی الفصلین و یا ولی المکرم و ولیاً للعهد را به فرزند کوچکتر محمد اعطا کرد. (السجلات المستنصریة، سجل ش ۳) بعد از مرگ علی بن محمد صلیحی خلیفه فاطمی المستنصر بالله القاب دیگری را به فرزندان او داد که هریک به تنهایی بیانگر جایگاه والای ضلیحیون نزد امام خلیفه فاطمی است.

یکی از پر لقب ترین حکمرانان صلیحی ملکه حیره است. وی در دوره طولانی حکومتش از چهار خلیفه فاطمی المستنصر، المستعلی، الامر و الحافظ القاب بسیاری را دریافت کرد. القابی که ملکه حیره از این خلفا دریافت نمود عبارتند از: الملکه، السیده، الرضیه، الطاهره، الزکیه، التقیه، الفاضله، الکامله، المکینه، وحیده الزمن، سیده ملیوک الیمن، عمده الاسلام، خالصة الامام، ذخیره الدین، عصبة المسترشدين، کهف المستجبین، ولیه امیر المؤمنین و کافله اولیاء المیامین (المقریزی، ۳/۱۰۳؛ السجلات المستنصریة، سجل ش ۴۴-۴۶ و ۴۹ و ۵۱-۵۵) و ساعیه فی مصالح الدین، ام الامراء المنتجین... (السجلات المستنصریة، سجل ش ۵۵)

تسلیمت گویی: بخشی از نامه های مبادله شده میان فاطمیان و ضلیحیون به تعزیت و تسلیمت مرگ بزرگان اختصاص دارد. این نامه ها ضمن انتقال پیام های تسلی بخش طبرفین جاوی حسن نظر خلیفه نسبت به دربار ضلیحیون بود. برای نمونه در ۲۲ محرم سال ۴۵۸ هـ نامه ای از جانب امام خلیفه فاطمی منتشر شد که در آن خیر مرگ فرزند امیر صلیحی را تسلیمت گفته بود و ولایت عهدی فرزند ارشد او را پذیرفته بود. (السجلات المستنصریة، سجل ش ۲)

به وقتی دیگر پیام تسلیمتی بر مضمون از دیوان انشاء فاطمیان صادر شد. در این پیام خلیفه فاطمی نهایت تألم و تأسف خود را از فقدان مؤسس حکومت صلیحی علی بن محمد ابراز نموده است. طبق گزارشی مفصل المستنصر بالله خبر قتل علی را در مصر اعلام کرد و از قاضی لمک بن

مالک (م ۱۰هـ) قاضی القضاة یمن که در آن زمان در مصر بسر می برد، خواست تا مراسم عزاداری او را در جامع قاهره برگزار نماید.

همچنین به مناسبت مرگ ملک المکرم در سال ۴۷۷هـ خلیفه سابق الذکر نامه ای به فرزند حکمران فقید ارسال داشت و در آن ضمن ابراز تألم وی را به صبر و بردباری توصیه نمود. (السجلات المستصریه، سجل ش ۱۴-۴۶)

ارسال هدایا به انضمام مکتوب شادباش: مطابق رسم دربار خلفا و سلاطین، حکمرانان صلیحی نیز به نشانه تکریم، بزرگداشت و عظمت و حتی نوعی ابراز سرسپردگی به دربار خلافت فاطمیان هدایایی را به دربار خلافت ارسال می کردند. این عطایا و هدایا که به صورت فصلی و موضوعی به دربار خلافت می رسید از جانب امام خلیفه فاطمی هرگز بی پاسخ نمی ماند. تبادل هدایای گرانقیمت و نفیس در سراسر طول حکمرانی فاطمیان ادامه داشت: (المقریزی، ۲۲۲ و ۲۸۳) بتویزه در عصر علی بن محمد صلیحی و بعدها بانو ملکه حره این تبادلات به اوج خود رسید.

ارسال این هدایا همواره با مکتوبی مشحون از اطاعت و سرسپردگی امیرداعیان صلیحی نسبت به دربار خلافت فاطمی همراه بود. در خلال همین مکتوبات می توان ارتباط مراد و مریدی فاطمیان و صلیحیون را دریافت. در مطلع فهرست هدایای صلیحیون به دربار خلفای فاطمی ۷۰ قبضه شمشیر یا دسته عقیق وجود دارد که موجبات تحیر مورخان را فراهم آورده است. علاوه بر این فهرستی از هدایای گرانقیمت از مسکوکات (المقریزی، ۲/۲۲۲) و مصنوعات طلا و نقره (الدیع، ۱۷۹) گرفته تا البسه و اقمشه و عطر و عنبر به دربار خلافت فاطمی ارسال شده است که به اعتراف ادیبی مشابه این هدایا هرگز یافت نمی شده است. (القرشی، ۶۶/۷)

در مقابل خلفای فاطمی نیز نوعی تن پوش فاخر (کسوت) را برای سلاطین و امراء صلیحی ارسال می کردند. (المقریزی، ۳/۱۰۳) در حاشیه یکی از این تن پوش ها که المستنصر بالله به دربار صلیحیون ارسال داشت، عبارتی چون: "بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله و فتح قريب لعبدالله و ولیه معد ابی تمیم الامام المستنصر بالله امیر المومنین صلوات الله علیه و علی آباءه الائمة الطاهرین" شده بود. (حسین همدانی، ۲۲۰)

این ارتباط دو سويه می توانست برای حکمرانان صلیحی نیز نتایج مهمی در بر داشته باشد. چنانکه سلاطین صلیحی به عنوان داعیان برجسته ضمن گرفتن مجوز دعوت (المقریزی، ۲/۲۶۱)، از کان قدرت سیاسی خود را با اتکای به فاطمیان مستحکم می نمودند.

آنچه نباید در این میان نادیده انگاشت، تأثیر تحولات درونی دربار خلافت فاطمی و نزاع جانشینی بر دربار سلاطین صلیحی است که دائماً مناطق تحت نفوذ فاطمیان بویژه یمن را متأثر می کرد. این تأثیر علاوه بر تعیین خط مشی مذهبی رهبران صلیحی به موضع گیری های سیاسی نیز می انجامید.

نوع و نحوه دعوت داعیان اسماعیلی و ارتباط با اقشار مختلف یمنی بویژه لایه های زیرین اجتماعی و تسامح مذهبی موقیمت بسیار خوبی را برای آنان فراهم کرد و البته این شیوه دعوت در تسریع دعوت فاطمی در یمن و به تبع آن در هند بسیار موثر بود. در این میان آنچه به آنان کمک کرد سیرت خوب و اقدامات نیکو و عامه پسند حکمرانان صلیحی بود که پیوسته از سوی امام خلیفه فاطمی تأیید می شد.

از جمله اقدامات مهم و البته تأثیر گزار امیر داعیان صلیحی ساختن اماکن مذهبی و مساجد طراز اول و مشاهد زیبا و یا تعمیر و بازسازی مساجد قدیمی بود که در سز لوحه برنامه های اصلاحی و تبلیغی آنها قرار داشت. با بررسی آثار معماری همچون مسجد کبیر صنعاء و یا جامع ذی جبله، جامع شبام کوکبان، جامع زبید و اب و یا مرقد ملکه حره و مقایسه آنها با جامع الازهر، جامع الحاکم بامر الله و جامع الاقمر، می توان به دلایل این مدعا دست یافت که ارتباط دو سويه فرهنگی با دارالخلافه اسلامی مصر به حدی بود که بر نوع معماری مساجد و اماکن مذهبی عصر صلیحی تأثیر سزایی نهاد. استفاده از عنصر چوب و گچکاری های بدیع در سقف های مشبک این بناها از امتیازات ویژه عصر صلیحی است. هر چند برخی مورخان به تأثیر معماری ایرانی در بنا سازی عصر صلیحی نیز اشاره کرده اند. (عبده، ۲۰۰۱، ۱۹۲) اما به واقع این تأثیر منبعث از متن معماری فاطمی در مصر بوده است. زیرا ترکیب بندی اسلوب معماری و کاربرد توأمان گچ و چوب و استفاده از کتیبه های زیبا با تزئینات گل و گیاه و اسلیمیهای بدیع و نقش مایه های محکوک و کنده کاری در سقف های چوبی که همه از نمودهای سبک پردازی خاص معماری عصر صلیحی به گونه ای شگرف متأثر از بن مایه های معماری فاطمی است.

شایان توجه است این هنر تلفیقی یمنی - مصری در سایر بخش های معماری چون فضا سازی مساجد، رواق و عنصر آسمانه و محراب و مأذنه نیز خود را نمایان کرده است که به دلیل بحث تخصصی هنر و معماری اسلامی به تسامح از پرداختن به جزئیات آن در گذشته، تنها به این اکتفا می شود که درهم تنیدگی فرهنگ و تمدن فاطمی و صلیحی موضوعی است محققان به آن اعتراف دارند و آثار برجای مانده نیز به گونه ای بیانگر این امتزاج فرهنگی هستند. (عبده، ۱۶۵ -

(۲۱۲)

در پایان این بخش تذکر این نکته بجاست که در مورد خدمت بزرگ فرهنگی و تاریخی صلیحیون به جامعه اسماعیلیه باید اقرار نمود که نقش داعیان صلیحی در حفظ میراث مکتوب فاطمیان بسیار تعیین کننده بوده است. زیرا بسیاری از نامه های امام خلیفه فاطمی خطاب به داعیان یمنی نوشته شده است. این میراث که در مجموعه ای با نام "سجلات و توقیعات و کتب لمولانا الامام المستنصر بالله امیر المومنین صلوات الله علیه الی دعاه الیمن و غیرهم قدس الله ارواح جمیع المومنین" و با نام اختصاری "السجلات المستنصریه" تا به امروز موجود است، منعکس کننده عمق پیوند این دو کانون است. علاوه بر این کتاب ارزشمند عینون الاخبار و فنون الآثار به قلم مورخ اسماعیلی ادریس عمادالدین قریشی که خود داعی مطلق فاطمی بود مکرر به این پیوند اعتراف می کند و نامه ها و پیام های خلفای فاطمی و داعیان صلیحی را ثبت نموده و به نوعی آئینه تمام نمای مناسبات طرفین است. اگر هم تلاش مجدانه دعوتگران یمنی و بعدها داعیان هندی در حفظ این آثار نبود، بی شک همین مجموعه نیز چون سایر منابع اسماعیلیه در آتش خشم فاتحان ایوبی می سوخت.

صلیحیون و دعوت اسماعیلیه در هند.

در همان روزهای آغاز دعوت اسماعیلی در یمن و حضور ابن حوشب در عرصه فعالیت های دینی و سیاسی یمن اعزام داعیان برجسته به هند شروع شد. نخستین گام وی در راه نفوذ کیش اسماعیلیه اعزام برادرزاده اش الهیثم به سند بود (قاضی نعمان، ۲۵) وی توانست ضمن دعوت به کیش اسماعیلیه آرام آرام اهالی جنوب غربی هند بویژه مولتان و گجرات، و دکن را با این کیش آشنا نماید.

انتشار دعوت فاطمی در نواحی جنوب و جنوب غربی هند نتیجه تلاش های بی وقفه داعیان یمنی بویژه صلیحیون بود. (قاضی نعمان، ۲۵-۲۶) جریان دعوت اسماعیلیه در هند در سه مرحله ادامه یافت. مرحله نخست از آغاز دعوت اسماعیلیه در یمن شروع و تا اواسط عهد صلیحیون با نظارت مستقیم داعی الدعاة یمن ادامه یافت. (السجلات المستنصریه، ۱۶۷-۱۶۹ و ۲۰۳-۲۰۶) چنانکه قاضی لمک بن مالک الحمادی همدانی در مدت نخستین اقامتش در مصر (۴۵۵-۴۶۰هـ)، آموزش های ویژه ای را درباره دعوت هند فرا گرفت و در بازگشت به یمن داعی عبدالله را در سال ۴۶۰هـ به هند فرستاد. عبدالله نیز در هند ضمن رویارویی مستقیم با افسارمختلف و فراگیری زبان محلی گجراتی توانست به تربیت داعیانی چون خوجه بن ملک و بالم نات و روب نات نائل آید.

مرحله دوم از زمان حکمرانی ملکه حره آغاز می شود. از این پس ارتباط دو کانون دعوت هند و یمن فزونی یافت و داعیان هندی بطور مستمر با داعی الدعاة یمن ارتباط داشتند و هرگز پیوند مذهبی ایشان با یمن قطع نشد. عمق این ارتباط و تبعیت زمانی مشخص می شود که بتوان رسائل عهد صلیحی و وضعیت داعیان هند و موضع گیری سیاسی و مذهبی آنان را به دقت مرور کرد. مطابق با روایت منابع اسماعیلی، داعیان فعال در هند غربی نیز که تبعیت بی چون و چرای داعیان یمنی را پذیرفته بودند، در موضع گیری های مذهبی متأثر از داعیان یمن بودند. بنابر این، با تبعیت از داعی الدعاة یمن ملکه حره به راحتی ابتدا دعوت مستعلوی را پذیرفته و در نشر آن کوشیدند و بعد از شقاق طیبی و حافظی به دلیل موضع گیری سیده حره و داعیان بعد از او بر دعوت امام طیب باقی ماندند.^۱

در تمامی طول این دوره هیأت های بهره ای گجراتی بارها به دربار صلیحیون رفت و آمد می کردند و تحت تأثیر این ارتباط تنگاتنگ دعوت طیب را پذیرفتند و پیوند دوستانه نزدیک بهره طیبی با مرکزیت دعوت یمن مدتهای مزید حفظ شد. دلیل این مدعا وجود مجموعه مکتوبات ائمه اسماعیلیه با داعیان یمن در هند است. (السجلات المستنصریه، ۱۹۵۴، ۱۱) اگر نبود این پیوند

۱. کتاب منتزع الاخبار داعی برهانپوری یکی از بهترین آثاری است که می تواند این صف بندی و تأثیر را در هند بحرینی بیان نماید.

ناگسستی، بی شک این سرمایه عظیم مکتوب نیز چون سایر موارد بر اثر خشم معاندان اسماعیلیان، از میان می رفت.

به دنبال استقلال دعوت اسماعیلی طیبی در یمن بعد از ملکه حره و ضعف روز افزون آن در نتیجه شقاق، ضعف و انحطاط فاطمیان مصر مرحله سوم دعوت اسماعیلیه در هند آغاز شد. در این دوره قدرت گیری جریان حافظی توسط قبائل زریعی و همدانی به سبب حمایت فاطمیان مضر به تضعیف پایگاه طیبی یمن انجامید. هر چند تلاش های بی وقفه داعیان طیبی هرگز متوقف نشد؛ بلکه با حضور داعی ذؤیب بن موسی منصوص سیده حره (برهانپوری، مقدمه / ۶۹) و بعدها داعی مطلق محمد بن حسن ادریس (م ۹۴۶هـ) و داعی مطلق یوسف بن سلیمان (م ۹۷۴هـ) در قندهار جزیران اسماعیلی گری حیاتی نو یافت (برهانپوری، مقدمه / ص ۲۹) و تا به امروز این دعوت در دو شاخه بهره و خوجه برجاست.

نتیجه

حضور چندی، فعال و یا نشاط امیرداعیان صلیحی در یمن و استمرار حکومتشان حدود یک قرن نتایج مهمی را در بر داشت. گسترش کیش اسماعیلیه و یافتن پایگاه های دعوت در یمن و شبه جزیره عربستان و غرب شبه جزیره هند نتیجه فعالیت مستمر آنان است. آثار و منابع مکتوب بسیار مؤید ارتباط وسیع و تنگاتنگ داعیان صلیحی یمن و فاطمیان مصر است. با بررسی های به عمل آمده از منابع مذکور نتایج ذیل تحصیل شد:

حکومت صلیحی یمن امکان سیطره فاطمیان بر جنوب عربستان و البته مکه و مدینه را فراهم کرد.

در سراسر دوره صلیحی ارتباطی دو سویه و مستحکم میان دربار ایشان و فاطمیان برقرار بود. این ارتباط می توانست برای حکمرانان صلیحی نیز نتایج مهمی در بر داشته باشد. چنانکه سلاطین صلیحی به عنوان داعیان برجسته اسماعیلی ضمن اخذ مجوز دعوت ارکان قدرت سیاسی خود را با اتکای به مشروعیت مذهبی و سیاسی فاطمیان مستحکم نمودند. بنابراین، امیرداعیان صلیحی همه اعتبار و مشروعیت خود را از امام خلیفه فاطمی می گرفتند و نیاز حکمرانان صلیحی به حفظ این ارتباط دامن می زد.

طبق بررسی های بعمل آمده تحولات درونی دربار خلافت فاطمی و نزاع جانشینی تأثیر عمیقی بر دربار سلاطین صلیحی برجای می گذاشت. این تأثیر علاوه بر تعیین، خط مشی مذهبی رهبران صلیحی به موضع گیری های سیاسی نیز منجر می شد. مطابق با روایت منابع اسماعیلی، داعیان اسماعیلی هند غربی در موضع گیری های مذهبی متأثر از داعیان یمن بودند.

امیر داعیان صلیحی همه اعتبار و مشروعیت خود را از امام خلفای فاطمی می گرفتند. نیاز حکمرانان صلیحی بر حفظ این ارتباط دامن می زد. فرهنگ و تمدن عصر صلیحی به گونه ای بارز از فرهنگ و تمدن مضر فاطمی متأثر بود. داعیان صلیحی نقش مهم و تعیین کننده ای در حفظ میراث مکتوب فاطمیان بر عهده داشتند.

منابع و مأخذ

الانطاکی، یحیی بن سعید، (۱۹۹۰)، تاریخ الانطاکی المعروف بصلوة تاریخ اوتیخا، حقه عمر عبدالسلام تدمری، لبنان - طرابلس، جروس برس.

ابن تغری بردی الاتابکی، جمال الدین ابی المحاسن یوسف، (۱۹۹۲) النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، القاهرة، وزارة الثقافة و الارشاد القومي المؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و الطباعة و النشر.

ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۵هـ) المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، درسه و تحقیق، محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، راجعه و صححه نعیم زرزور، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، الطبعة الثانية، ج ۱۵.

ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۹۹۲) تاریخ ابن خلدون، المسمى کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۴.

ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن محمد ابی بکر، (بی تا) وفيات الاعیان و انبیاء ابناء الزمان، ج ۳، بیروت، دارصادر.

- ابن الطوير، ابو محمد: المرتضى عبد السلام بن الحسن القيسراني، (١٩٩٢) *نزهاء المقاتلين في اخبار الدولتين*، اعاد بناء وحققه أيمن فؤاد سيد، بيروت، دار صادر.
- ابن ظافر، جمال الدين علي، (١٩٧٢) *اخيار الدول المنقطعة*، دراسه التحليليه للقسم الخياص بالفاطميين، مقدمه وبتعقيب اندريه فريه القايره مطبوعات المعهد العلمى الفرنسى للاثار الشرقيه.
- ابن كثير، ابوالفداء الحافظ، (١٩٩٨) *البيداه والنهايه و معه نهايه البيداه والنهايه فى الفتن والملاحم*، تحقيق و توثيق صدقى جمل العطار، ج ٨، بيروت، دارالفكر.
- ابن ميسر، محمد بن علي، (١٩١٩) *اخبار مصر*، تصحيحه هنرى ماسيه، القايره، المطبعه المعهد العلمى الفرنسى.
- برهانپورى، قطب الدين سليمان، (١٩٩٩) *منتزح الاخبار فى اخبار الدعاء الاخيار*، تحقيق سامر فاروق طرابلسى، بيروت، دار الغرب.
- بوسوژت، كليفوراد ادموند، (١٣٧١) *سلسله هاى اسلامى*، ترجمه فريدون بدره اى، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى.
- تامر، عارف، (١٩٩١) *تاريخ اسماعيليه، الدوله النزاريه*، ج ٤، رياض النريش للكتب و النشر، لندن، قبرص.
- حموى، ياقوت، (١٩٨٨) *معجم البلدان*، ج ٥، بيروت، داربيروت.
- الديبع، عبدالرحمن بن علي (١٩٨٨م) *قرة العيون باخبار اليمن اليمون*، حقه و علق عليه محمد بن علق الاكواع، بى جابى، نا.
- الذهبي، محمد بن احمد بن عثمان، (١٩٩٧م) *سير اعلام النبلاء*، تحقيق محب الدين ابى سعيد عمر بن غرامه المقروى، بيروت، دارالفكر، ج ١١.
- الرازى الصناعى، احمد بن عبد الله، (١٩٨١م) *تاريخ المدينه صنعاء*، تحقيق محمد بن عبد الله العمرى و عبد الجبار زكار، تقديم نبيه عاقل الجمهوريه العربيه اليمنيه.
- السيارات المستنصرية، (١٩٥٤م) *حسين فيض الله همدانى*، تقديم و تحقيق عبد المنعم ماجد، مصر دارالفكر العربى.

- العاصمی المکی، عبدالملک بن حسین، (۱۹۹۸م) *سقط النجوم العوالی فی انباء الاوائل و التوالی*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۳.
- عبده، عبدالله کامل موسی، (۲۰۰۱م) *الفاطمیون و آثارهم المعماریة فی افریقیة و مصر و الیمن*، القاہرہ، دار الافاق العربیہ.
- فدائی خراسانی، محمد بن زین العابدین، (۱۳۷۳) *تاریخ اسماعیلیہ (هدایہ المؤمنین الطالبین)*، به تصحیح و اهتمام الکساندر سیمونوف، تهرآن، اساطیر.
- قاضی نعمان بن حیون، (۱۹۹۶م) *افتتاح الدعوه*، بیروت، دارالاضواء.
- القرشی، ادیس عمادالدین بن حسین؛ (بی تا) *عیون الاخبار و فنون الاثار*، تحقیق و تقدیم، مصطفی غالب، بیروت، دارالاندلس، سلسله التراث الفاطمی.
- القلقشندی، احمد بن علی، (۱۹۸۷م) *صبح الاعشی*، شرحه و علق علیه و قابل نصوصه نبیل خالد الخطیب، بیروت لبنان، دارالکتب العلمیه، ج ۱۳.
- مجموعه الوثائق الفاطمیة و وثائق الخلافة و ولایه العهد و الوزراء، (۲۰۰۲م)، جمعها و حققها و اعدھا نشر جمال الدین الشیال، القاہرہ، مکتبه الثقافه الدینیہ.
- المراکشی، ابن عذاری، (۱۹۹۸م) *الیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب*، تحقیق و مراجعہ جس. کولان و ایلفی بروقتسال، بیروت، دارالثقافه، ج ۱.
- المقریزی، تقی الدین احمد بن علی، (۱۹۷۱م) *اتعاظ الخفاء باخبار الائمة الفاطمین الخلفاء*، تحقیق محمد حلمی محمد احمد، ج ۱، القاہرہ.
- هدایہ الامریه فی ابطال الدعوة النزاریه*، (بی تا) تقدیم و تحقیق آصف بن علی فیضی، بی جا، بی نا.
- الهمدانی، حسین بن فیض الله، (۱۹۵۵م) *الصلیحیون و الحركة الفاطمیة فی الیمن*، القاہرہ، نشر مطبعه الرساله.
- الهمدانی، حسین فیض الله، (۱۹۵۴م) *السجلات المستصریہ*، تقدیم و تحقیق عبدالمنعم ماجد، مصر دارالفکر العربی.
- الیمانی، تاج الدین عبدالباقی بن عبدالمجید الیمانی، (۱۹۸۸م) *بهجة الزمن فی تاریخ الیمن*، تحقیق، عبدالله محمد الحبشی و محمد احمد السنبانی، صنعاء، دارالحکمه الیمانیہ.

الیمنی، نجم الدین عماره بن علی، (۱۳۹۹هـ) تاریخ الیمن المسمی المفید فی أخبار صنعاء و زبید و شعراء ملوکها و اعیانها و ادبائها، تحقیق القاضی محمد علی الأکواع، نشر مطبعه السعاده.